خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ . ۱۷ رجب ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۳۹

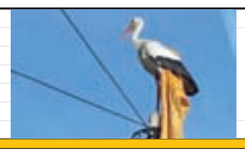

تلاش برای نجات لک لک، جان مرد مهابادی را گرفت

مرد ۴۰ ساله ای اهل روستای گابازله مهاباد، دیشب بر اثر برق گرفتگی جان باخت. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما ارسلان پیروتی اهل روستای گابازله مهاباد و دارای ۳ فرزند، شامگاه شنبه برای رهاسازی لک لکی که در میان سیم های برق گیر کرده بود از تیر برق بالا رفت و هنگام جدا کردن پرنده، خود نیز دچار برق گرفتگی شد. وی در پی سوختگی شدید در دم جان سپرد.

خط زرد

۴۵ نکته کلیدی درباره کار با چک (۸)

۲۰- در هر بخش چک که با دست چیزی می نویسید، جای خالی را با خطوط ممتد، یا ضربدرهای مشخص ببندید مثلا در کادر پایین چک که مبلغ چک را به عدد می نویسید، جای خالی جلوی آن را با خط ممتد پر کنید تا نتوان جلوی آن عدد دیگری اضافه کرد.

۲۱- حتماً شماره چک های خود را در جایی یادداشت کنید و در دسترس داشته باشید تا در صورت سرقت دسته چک، بتوانید جلوی سوءاستفاده از آن را بگیرید. در صورت امکان از چک هایی که صادر می کنید یک نسخه کپی تهیه کنید.

۲۲- حتماً از اعتبار شخصی که از او چک می گیرید مطمئن باشید. آدرس، مغازه و یا هر نشانه ای که بعداً قابل پیگیری باشد در اختیار داشته باشید.

پایگاه خبری پلیس

حادثه در قاب

hosseinzadeh@khorasannews.com
ایمیل برای دریافت عکس مخاطبان

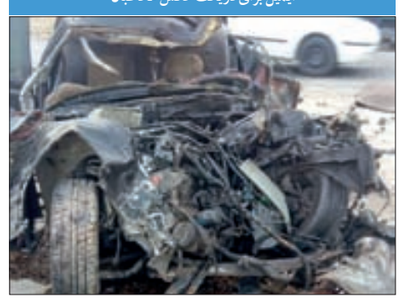

مرگ ۳ تن در تصادف پژو با کامیون روز گذشته در دشتستان

از میان خبرها

انتشار عکس‌های خصوصی زن سوئدی کار دست پسر سنندجی داد

عامل انتشار عکس ها و فیلم های خصوصی زن سوئدی، در سنندج بازداشت شد. به گزارش تسنیم سرهنگ فرامرز شاکری با اشاره به دستگیری عامل انتشار تصاویر خصوصی زنی ایرانی مقیم سوئد گفت: در پی وصول یک پرونده جرایم رایانه ای با موضوع انتشار فیلم و تصاویر خصوصی در فضای مجازی با انجام اقدامات فنی و ایجاد ارتباط صوری با گردانندگان صفحات مجرمانه و همچنین بررسی مستندات واصله از طرف شاکی، متهم شناسایی و در سنندج دستگیر شد. شاکری افزود: متهم در تحقیقات به بزه انتسابی اعتراف کرد و گفت: با استفاده از شبکه اجتماعی تانگو با شاکی که در خارج از کشور اقامت دارد آشنا شده و پس از حضوری در ایران با او در ارتباط بوده است، اما بعد از مدتی شاکی به صورت یک طرفه با او قطع رابطه کرده و وی به انگیزه انتقام جویی و تسویه حساب شخصی، اقدام به انتشار تصاویر خصوصی شاکی کرده است. وی تصریح کرد: با توجه به اعتراف متهم به بزه انتسابی پرونده تکمیل و به دادسرا فرستاده شد.

کشف ۶۰ فقره سرقت قطعات خودروهای سواری

با دستگیری ۴ سارق حرفه ای در مشهد بیش از ۶۰ فقره سرقت شبانه کشف شد. فرمانده انتظامی مشهد گفت: ماموران کلانتری سجاد با انجام تعقیب و مراقبت های نامحسوس، عامل سرقت وسایل و قطعات داخل صندوق عقب خودروهای سواری را در حال ارتکاب جرم دستگیر کردند. متهم ۴۱ ساله در تحقیقات به سرقت های متعدد در محدوده آزادشهر و بلوار امامت مشهد اعتراف کرد. سرهنگ بوستانی خاطرنشان کرد: ماموران کلانتری مصلی نیز ۲ عامل سرقت های سریالی وسایل خودرو در محدوده خیابان ۱۷ شهریور را در حال سرقت از خودروهای سواری پراید دستگیر کردند. یکی از این متهمان جوان ۳۵ ساله ای است که در یکی از شرکت های دولتی کار می کند و همدست او نیز جوانی ۳۴ ساله است. سرهنگ بوستانی ادامه داد: در مرحله پایانی عملیات طرح تشدید مبارزه با سرقت های شبانه ماموران کلانتری سنابادیکی از عاملان این سرقت ها را در خیابان دستغیب دستگیر کردند.

شکارچیان متخلف در دام پلیس

توکلی- شکارچیان متخلف در دام پلیس کرمان گرفتار شدند. در پی دریافت گزارشی مبنی بر این که افرادی در ارتفاعات حومه شهر کرمان با سلاح گرم مبادرت به شکار غیرمجاز می کنند، موضوع در دستور کار ماموران کلانتری قرار گرفت. شکارچیان با مشاهده گشت پلیس اقدام به فرار کردند که با عکس العمل به موقع، ماموران موفق به دستگیری ۳ شکارچی غیر مجاز شدند. به گفته روانبخش فرمانده انتظامی کرمان، در بازرسی از خودروی شکارچیان یک قبضه سلاح شکاری، مقادیری فشنگ غیرمجاز ولاشه ۲ راس بز کوهی از شکارچیان کشف شد. وی افزود: متهمان به دادسرا تحویل شدند.

در گفت‌وگوی اختصاصی خراسان با متهم عنوان شد

اعترافات هولناک مرد شکنجه گر

مرد شکنجه گر در حال گفت‌وگو با خبرنگار خراسان

متهم در حال تشریح جزئیات حادثه در حضور معاون دادستان

مقدمه: صبح روز گذشته اولین جلسه بازپرسی از متهم پرونده معروف به «مرد شکنجه گر» در شعبه ۴۰۳ مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد برگزار شد. در این جلسه، متهم این پرونده پای میز عدالت نشست و به سوالات قضایی، بازپرسی پاسخ داد. او که در ابتدا ارتکاب هر گونه جرمی را انکار می کرد وقتی در برابر شواهد و دلایل مستند ارائه شده از سوی بازپرس قرار گرفت به ناچار لب به اعتراف گشود و بخشی از زوایای تاریک پرونده را روشن کرد. او در اولین جلسه بازپرسی به سوزاندن همسرش داخل صندوقچه فلزی و همچنین ایراد جراحت های عمیق با ناخن گیر اعتراف کرد. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است: «مرد شکنجه گر» سپس مقابل معاون دادستان و رئیس مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد ایستاد و جزئیات اقدامات هولناک خود را تشریح کرد. در ادامه رسیدگی به این پرونده، بازپرس به همراه نیروهای انتظامی عازم محل سکونت متهم شد و از نزدیک به تحقیق در این باره پرداخت تا با جمع آوری اسناد و مدارک مستند دیگر و شنیدن اظهارات اهالی و شاهدان ماجرا، به عدالت حکم کند.

سید خلیل سجادپور- سر در گریبان داشت و خیره به دستبندهای آهنین می نگریست که دست هایش را به یکدیگر حلقه زده بود. انگار در افکار خود به صحنه های وحشتناکی می اندیشید که چگونه همسرش را درون صندوقچه فلزی محبوس کرده و با شعله های اجاق گاز تک شعله، بدنش را سوزانده است. شاید هم به آینده تاریک و سرنوشت نامعلوم خود فکر می کرد که... به آرامی کنارش قرار می گیرم. رشته افکارش بریده می شود، گویی از نگاهم می خواند آنچه را قصد دارم از او سوال کنم. بی مقدمه می گوید: تقصیر خودش بود، اگر اعتراف می کردمن هم کتکش نمی زدم! و...

- چند سال داری؟ متولد ۱۳۶۵ هستم

- سواد هم داری؟ بله! تا کلاس سوم راهنمایی درس خواندم.

- چند خواهر و برادر داری؟ ۴ خواهر و ۲ برادر بودیم ولی یکی از برادرانم که ۵ سال از من بزرگتر بود از پشت بام سقوط کرد و جان سپرد. در این میان یکی از خواهرانم نیز دانشگاه خود را در یکی از شهرهای استان خراسان شمالی به پایان رساند.

- اولین بار که مواد مخدر مصرف کردی را به یاد داری؟ مواد مخدر را بعد از ازدواجم شروع کردم اما کلاس اول راهنمایی بودم که برای اولین بار مشروبات الکلی مصرف کردم.

- با همسرت چگونه آشنا شدی؟ او دختر دایی من است و من به خاطر نسبت فامیلی کاملا او را می شناختم به همین خاطر هم سال ۱۳۸۲ با او ازدواج کردم.

- چرا فکر کردی که دختر دایی ات برای ازدواج با تو مناسب است؟ چون پدر او هم مانند پدر من به هروئین اعتیاد داشت. دایی ام و همسرش وقتی از یکدیگر طلاق گرفتند که همسر من و ۲ برادرش خردسال بودند به همین دلیل آن ها زیر دست مادر بزرگم رشد کردند. مادر زنم پس از جدایی از همسرش به مشهد مهاجرت کرد و در این جا هم با مرد دیگری به زندگی خود ادامه داد. در واقع وضعیت خانواده همسرم از هر لحاظ شبیه خانواده خودم بود. او دختری درد کشیده بود می توانست زن خوبی برایم باشد.

- تحصیلات همسرت تا چه مقطعی است؟ او تا کلاس سوم دبیرستان تحصیل کرد. البته یک سال از تحصیلاتش را در دوران نامزدی با من ادامه داد ولی به خاطر این که چند تجدیدی آورد نتوانست دیپلم بگیرد.

- همسرت بعد از ازدواج با تو به مشهد آمد؟ بله! ما تقریباً ۳ سال نامزد بودیم. پدرم منزل ۲ طبقه ای را در منطقه ۲۰ متری بلال مشهد خریده بود که بعد از ازدواج، ما در یکی از طبقات آن ساکن شدیم البته یک طبقه دیگر آن را هم حدود ۵ سال قبل با کمک من ساخت.

- گفتی بعد از ازدواج معتاد شدی! چگونه؟ در آن روزها برخی از دوستان و یا اطرافیان همسرم که با هم خیلی رابطه خوبی داشتیم نزد من می آمدند و به طور تفریحی مواد مخدر مصرف می کردیم اما کم کم آلوده شدم. بیشتر وقت ها در خانه مادر بزرگم و یا منزل دایی ام مواد می کشیدیم.

- مواد مخدر صنعتی را از چه زمانی شروع کردی؟ از ماه ها قبل کریستال می کشیدم ولی بعد از آن شیشه را تجربه کردم و دیگر به مصرف آن ادامه دادم.

- هیچ وقت تصمیم به ترک اعتیاد نگرفتی؟ چرا! حدود ۴ ماه قبل بود که تصمیم گرفتم اعتیادم را کنار بگذارم. وضع مالی ام خوب نبود از سوی دیگر هم زندگی ام نابسامان و آشفته شده بود. دیگر فهمیده بودم که مواد عاقبتی ندارد.

- بالاخره ترک کردی یا نه؟ بله! حدود ۲ ماه در یک کمپ ترک اعتیاد بودم ولی پس از مدت کوتاهی دوباره شروع کردم. حتی قبل از وقوع این حادثه (دستگیری) نیز شیشه می کشیدم.

- مگر دختر ۸ ساله ات تحصیل نمی کرد؟ چرا!! او مدرسه می رود.

- پس چگونه توانستی آن ها را در خانه زندانی کنی؟ من از شب چهارشنبه سوری سال گذشته آن ها را در خانه حبس کردم که تقریباً مدرسه تعطیل شده بود.

- یعنی آن ها تا بعد از تعطیلات نوروزی (۲۲ روز) در منزل زندانی بودند؟ نه! من فقط در اتاق را قفل می کردم که هیچ کس بیرون نرود.

- ولی مأموران انتظامی قفل های منزل شما را شکستند تا همسر و فرزندانت را نجات دهند؟ آن روز من در خانه نبودم به همین خاطر هم در اتاق و منزل را از بیرون قفل کرده بودم.

- اختلافات تو با همسرت چگونه شروع شد؟ اختلاف و دعوا که از ابتدا وجود داشت و من او را کتک می زدم اما از حدود ۷ ماه قبل این اختلافات شدت گرفت.

- چرا؟ برادرزنم در جاده قدیم قوچان منزل مجردی داشت. او پس از این که ازدواج کرد یک روز نزد من آمد و گفت: من دیگر متأهل هستم و نمی توانم این گونه زندگی کنم من هم که می خواستم کمکی به او کرده باشم. گفتم بیا در یکی از همین طبقات منزل ما زندگی کن! اگر پول رهن هم نداری اشکالی ندارد فقط ماهی ۲۰۰ هزار تومان اجاره بده! ولی از زمانی که پای او به زندگی ما کشیده شد اختلافات ما هم شدت گرفت چرا که برادرزنم راه دادگاه و پاسگاه را به همسرم آموخت و هر بار که او را کتک می زدم از من شکایت می کرد! همسرم با هر نزاعی قهر می کرد و من عصبانی می شدم! حدود ۲۰ روز قبل از این ماجرا هم دیدم همسرم کم غذا می خورد نگران شدم و برادرش را صدا کردم تا او را نصیحت کند که بیشتر غذا بخورد اما کارمان به کتک کاری کشید. همسرم با چاقو به من حمله کرد من هم با مشبک های فلزی نوک تیز روی دستش کشیدم.

- اما این که کسی غذا کم بخورد بهانه درستی برای کتک کاری نیست قبول داری؟ بله! ولی اصل ماجرا این است که من پس از بازگشت از کمپ ترک اعتیاد، یک شماره تلفن روی کتاب نقاشی دخترم پیدا کردم و این گونه به همسرم مشکوک شدم.

- ولی آثار وحشتناکی از جراحت که در نظر به پزشکی قانونی آمده، خارج از تصور یک انسان است؟ قبول دارم من پاهای او را روی زمین کشیدم که زخم شد.

- ولی همسرت مدعی است او را درون صندوقچه فلزی محبوس می کردی و زیر آن شعله آتش روشن می کردی؟ آن روز من به دنبال مواد مخدری می گشتم که فکر می کردم فردی به نام «ح» که به منزل ما رفت و آمد دارد آن ها را در خانه ام جاسازی کرده است. به همسرم گفتم محل مخفی کردن مواد را به من نشان بده! چون این موضوع برای ما خطر دارد! اما همسرم اظهار بی اطلاعی می کرد او را به طبقه دیگر منزل بردم و لی او پشت ساعت دیواری، قاب عکس، داخل گوشی تلفن و غیره را به من نشان داد و گفت: چیزی نیست گفتم من خودم خلافکارم تو دروغ می گویی! باید اعتراف کنی! چون من تکه پلاستیک هایی نیز پیدا کردم که احتمال می دادم داخل آن ها شیشه بوده و به همین خاطر یقین داشتم که «ح» مواد مخدری را که می فروشد در خانه من جاسازی کرده است.

- وقتی محل مخفی کردن موادی را که مدعی بودی نشانت نداد او را سوزاندی؟ من او را داخل صندوقچه فلزی گذاشتم و در آن را هم قفل زدم سپس اجاق گاز تک شعله کوچک را روشن کردم وزیر صندوقچه فلزی گرفتم.

- چه مدت شعله را زیر صندوقچه نگاه داشتی؟ حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه.

- زخم های عمیق و هولناک روی صورت همسرت چگونه ایجاد شد؟ آن ها را با ناخن گیر شکسته روی صورتش ایجاد کردم. یعنی تیزی محل شکستگی ناخن گیر را روی صورتش می کشیدم.

- چند بار این کار را کردی؟ حدود ۱۵ بار.

- پس بقیه جراحت ها و سوختگی ها چگونه رخ داد؟ قبول دارم که همه آثار ضرب و جرح مربوط به من است و تاکنون درباره علت آن دروغ گفته ام اما بقیه موارد مانند شکستگی دماغ و غیره را با مشت و سیلی و لگد ایجاد کرده ام. من عمری در میان خلاف بزرگ شده ام. اول به او گفتم اعظم راستش را بگو تو می دانی جنس ها (مواد مخدر) کجاست ولی او نمی گفت.

- با فندک هم سوزاندی؟ نه!

- آثار روی بدن دختر ۸ و ۵ ساله ات را چه کسی به وجود آورده است؟ نمی دانم شاید همسرم آن ها را کتک زده باشد.

- روزی که اعضای خانواده ات را در منزل زندانی کردی هیچ کس دیگر نبود؟ نه! پدرم به شهرستان رفته بود و ما تنها بودیم.

- حالا چه احساسی داری؟ پشیمانم! من هنوز همسرم را دوست دارم!

- اما هیچ انسانی این گونه فردی را شکنجه نمی کند؟ نمی دانم! تقصیر خودش بود اگر از اول محل جاسازی مواد را می گفت من هم او را اذیت نمی کردم! ولی باز هم باید با او صحبت کنم.

- چرا همسرت را طلاق ندادی؟ گفتم بیا طلاق توافقی بگیریم! او حتی وسایل را به طبقه بالا برد ولی دیگر دیر شده بود من حتی پول نداشتم که به شهرستان بروم!

- چرا هنوز هم برخی از حقایق را کتمان می کنی؟ نه! من همه چیز را گفتم!

- تو می گویی فرزندانت را کتک نزدی! در حالی که همه اهالی محل می گویند تو فرزندانت را کتک می زدی؟ نمی دانم! ولی فرزندانم از مادرشان می ترسند.

■ **آخرین وضعیت زن جوان و دخترانش**

مدیرعامل مرکز خیریه سراج رضوی توس که نگهداری و مراقبت از آسیب دیدگان این پرونده را به عهده گرفته است درباره آخرین وضعیت زن جوان و دخترانش به خراسان گفت: آن ها هم اکنون تحت مراقبت های جسمانی و روانی قرار دارند و هم اکنون وضعیت روحی و روانی این آسیب دیدگان اجتماعی مساعدتر شده است. اما با این وجود هنوز گروهی از متخصصان پزشکی در حال مداوای آن ها هستند. علی صدری افزود: این مرکز برای مراقبت و نگهداری از آسیب دیدگان مذکور از همه توان و امکانات خود استفاده می کند اگر چه به یاری هموطنان دلسوزمان هم نیاز مندیم.

درخواست نمایندگان مشهد درباره پرونده «مرد شکنجه گر»

نماینده مردم مشهد گفت که با توجه به جریحه دار شدن افکار عمومی، جمعی از نمایندگان مشهد خواستار کوتاه شدن روال رسیدگی به پرونده «اعظم» برای روشن شدن ابعاد ماجرا شدند. امیر حسین قاضی زاده در گفت وگو با ایسنا اظهار کرد: در حال حاضر دادستان مشهد به پرونده مربوط به اعظم- زنی که بنا به ادعایش خود و ۲ فرزندانش مورد شکنجه همسرش قرار گرفتند- وارد شده است که با توجه به ورود مقام قضایی به این پرونده جمعی از نمایندگان مشهد خواستار تسریع در روند پیگیری شده اند.

در امتداد تاریکی

می خواستم اعتراف کند...!

زندگی من آن قدر آشفته و نابسامان بود که نمی دانم کدامین بخش از حوادث و تلخکامی های روزگارم را بازگو کنم اگر چه دلیل این همه خشونت و رفتارهای خطرناکم را نمی دانم اما با این وجود همسرم را دوست دارم و از کارهای وحشتناک خودم پشیمانم. من سال ها کارهای خلاف انجام دادم به همین خاطر هم همواره احساس می کردم همسرم صادق نیست و به سوالات من پاسخ درستی نمی دهد...

جوان ۳۰ ساله که به اتهام شکنجه اعضای خانواده اش توسط ماموران کلانتری خواجه ربیع مشهد با صدور دستوری از سوی معاون دادستان دستگیر شده است پس از آن که به سوالات تخصصی و قضایی قاضی شعبه ۴۰۳ دادسرای عمومی انقلاب مشهد پاسخ داد به تشریح ماجرای زندگی اش پرداخت و گفت: ۳۰ سال قبل در یک خانواده پر جمعیت و آشفته در شهرستان قوچان به دنیا آمدم. از زمانی که چشم باز کردم پدرم را پای بساط مواد مخدر دیدم. او معتاد به هروئین بود و همواره به تهیه مواد مصرفی خودش می اندیشید. دعوا، تنش، کشمکش و درگیری جزیی جدانشدنی از زندگی ما بود و پدر و مادرم مدام با یکدیگر درگیر می شدند چرا که پدرم مخارج زندگی را تامین نمی کرد و مادرم مجبور بود با تولید رشته آش در منزل، برخی از هزینه های زندگی را تامین کند.

آن زمان پدرم در میدان بار کار می کرد. پس از مدتی منزلمان را فروختیم که پدرم با پول آن به خرید و فروش خودرو روی آورد و ما نیز در یک منزل رهنی ساکن شدیم در همین اثنا بود که پدرم اعتیادش را ترک کرد و ما منزل دیگری را با یک باب مغازه خریدیم اما کاسبی پدرم در آن مغازه رونق نگرفت و او خرده فروشی مواد مخدر را آغاز کرد این گونه بود که من در کلاس سوم راهنمایی ترک تحصیل کردم چرا که نمی توانستم در این خانه آشفته درس بخوانم هنوز بیشتر از ۶ ماه از ترک تحصیل من نگذشته بود که مادرم تصمیم گرفت به مشهد مهاجرت کنیم. آن زمان ۲ خواهرم ازدواج کرده بودند و برادرم نیز به اتهام فرار از خدمت سربازی در زندان زاهدان به سر می برد تصمیم مادرم جدی بود اما پدرم در شهرستان ماند و به مشهد نیامد بالاخره منزلی را در خیابان مطهری مشهد رهن و اجاره کردیم که پول رهن آن را پدرم داد ولی مادرم برای تامین مخارج زندگی مجبور بود در خانه های مردم کار کند در این حال من هم به عنوان شاگرد در یک کارگاه نجاری مشغول کار شدم اما فقط ۷ ماه در آن کارگاه کار کردم و پس از آن به فروشندگی لوازم خانگی روی آوردم ولی کارهای خلاف من از ۱۲ سالگی شروع شد. زمانی که برای اولین بار مشروبات الکلی مصرف کردم آن روز مجلس عروسی یکی از خواهرانم برگزار شده بود و من که کلاس اول راهنمایی بودم به همراه چند تن از دوستانم مقداری مشروبات الکلی معروف به «عرق سگی» را در کنار یکدیگر مصرف کردیم. اما ماجرای اعتیادم از ۱۳ سال قبل زمانی شروع شد که با یکی از بستگانم ازدواج کردم همسرم نیز همانند من زندگی آشفته ای داشت و من به خاطر این که آن ها تقریبا هم سطح ما بودند با او ازدواج کردم ولی اختلافات زندگی ما از زمانی شدت گرفت که من مصرف شیشه و کریستال را آغاز کردم و رفت و آمدم با دیگر افراد معتاد و خلافکار شروع شد در همین روزها بود که به همسرم مظنون شدم و احتمال دادم که به من خیانت می کند به همین دلیل نیز او را شکنجه دادم تا به جرم خود اعتراف کند ولی...

ماجرای واقعی براساس یک پرونده قضایی

تیراندازی در مدرسه ای در آمریکا ۳ مجروح برجا گذاشت

شبکه خبری روسی «راشاتودی» از وقوع تیراندازی در مدرسه ای واقع در ایالت ویسکانسین آمریکا خبر داد. به گزارش ایرنا راشاتودی خبر داد: تیراندازی در دبیرستانی در ناحیه «آنتیگو» واقع در شمال ایالت ویسکانسین روی داد. بر اساس گزارش های اولیه در این حادثه ۳ نفر مجروح شده اند که حال یکی از آنان وخیم است.